

بقایای تاریخی حوض مونس پشت درهای بسته

حوض مونس در عهد قاجار

کوجه: حوض منوس، بر اساس اسناد موجود به ویژه نقشه ترمیم شده توسط الداج (سال ۱۲۴۴ خورشیدی) در میانه‌های دوره قاجار از کنار قیستان سراب، شروع به در ادامه با گذر از عرض خیابان دیالمه امروزی، در انتهای محدوده مسجد بناها به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌شد. مسیر غربی که کوتاه‌تر بود و تنها سه فرعی کوچک را پوشش می‌داد، در پایان به فراولخانه و حوض آب کنار باغ و منزل امام جمعه وقت شهید می‌رسید. حدفاصل این حوض و فراولخانه سه کوچه‌ای بود که بخشی از آن هنگام ایجاد خیابان بزرگ از بین رفت و بخش باقی‌مانده‌اش، هم‌اکنون به نام کوچه ورزنده یا سراب یک شناخته می‌شود. کوچه شرقی کوجه که به‌مراتب طولانی‌تر بود، تا محدوده بازار بزرگ آن زمان (شهری قبل از ابتدای کوچه تپا) ادامه می‌گرفت در خیابان شهید اندرزگوی فعلی و خسروی‌نو (سابق) امتداد داشت و در آنجا با کوچه شوکت الدوله یکی می‌شد. این فرعی پس از لقای به کوچه ارگ، عابرن را به سمت بازار می‌برد. یازده کوچه فرعی در این مسیر برپایه نقشه دائمی، قابلیت شناسایی دارد که در سال‌های بعد، دو کوچه از این جمع به بخش‌هایی از خیابان شاه‌رضای آن دوران وایتا، خ‌زعلی و آخوندخراسانی کنونی تبدیل شد. حوض آب منوس، یک فراموش‌شده، تکیه موسوم به کربلای معلومه، عمارت و حوالیمردان و باغ و سیدعاصم‌عصی، سازه‌های شهری مهم و شگفته‌شده آن زمان این مسیر بودند که مکان آن‌ها را دالجم روی نقشه مشخص کرده است. متأسفانه اکنون از تمام بناهای باقی‌دیده در نقشه مورد اشاره در محدوده کوجه حوض منوس، فقط بقایای حوض منوس، آن هم پستان روی همینه‌بسته، باقی مانده است.



مسیر کوچه حوض مونس در نقشه دالمج به رنگ قرمز نشان داده شده است

حوض مونس در عهد پهلوی

دوران پهلوی را باید عصر پاره‌پاره شدن کوچه حوض مونس لقب داد. در این دوره، ابتدا بر اثر ایجاد خیابان خسروی (در نزد مردم آن دوران به دلیل ساختار خاصش به خیابان کج معروف شده بود)، ارتباط مستقیم کوچه حوض مونس و راسته کوچه و بازارچه سراب قطع می‌شود. سپس با ساخت بخش دوم خیابان شاه‌رضای آن زمان (اکنون به نام خیابان آخوندخراسانی شناخته می‌شود اما مردم آن زمان در دوران پهلوی و بعد از آن به دلیل وجود بنای گنبدسبز، آن را خیابان خاکی می‌خوانند) ارتباط کوچه حوض مونس با کوچه‌های شوکت‌الدوله و حمام حاج علی (ارگ دیروز وایت... خمانه‌ای کنونی) نیز قطع می‌شود. به این ترتیب، کوچه حوض مونس به مسیر تبدیل می‌شود که از اواسط خیابان خاکی، آغاز می‌شود و به موازات خیابان خسروی، امتداد پیدا می‌کند و کمی قبل از تئاتر گلشن (درست در محل تاقی دومین فرعی جنوبی خیابان خسروی با این خیابان) به پایان می‌رسد.

کوچه حوض مونس در عهد پهلوی‌ها، میزبان چهار کوچه فرعی در جهت شمالی و پنج کوچه فرعی در بخش جنوبی خود بوده است. مهم‌ترین بناهای کوچه هم در این دوره به‌جز بقایای حوض مونس و چند خانه بزرگ متعلق به شخصیت‌های دولتی وقت، مسجد بناهاست. این مسجدا که گمانه بنای مذهبی کوچه در دوره پهلوی‌ها محسوب می‌شود، در همان دوران، حاجی اختراعی صنایع که خود را تسکینه خیابان (سورین فرعی جنوبی) بود، بازسازی می‌کند تا تسکینه خیابان، خسروی از آن استفاده کنند.

گفته‌نماد که در انتهای یکی از فرعی‌های این کوچه (کوچه‌عماد)، یکی از درهای مخفی کنسولگری انگلستان آن زمان و پاکستان کنونی قرار داشت. همچنین یکی از پلاک‌های ابتدای کوچه از سمت خیابان آخوندزاده‌ای کنونی در دوره پهلوی اول، محل پهلوی دوم نیز یکی از پلاک‌های انتهایی کوچه (در مجاورت آخرین فرعی که شمالی که اکنون تابلوی دیالمه ۴ در ابتدای آن نصب است) قرار داشته است.



یکی از فرعی‌هایی که
موضوع مونس قرار دارد



خانه تاریخی پیشه‌وران که تنها پلاک ثبتی موجود
در این مسیر است



این مسجد در گذشته به نام آقاحسین بوده و در سال ۱۳۷۵ هجری خورشیدی تجدید بنا شده است



این کوچه به خاطر شهادت سه نفر از ساکنان آن به کوچه
سه شهید معروف شده است

وضعیت کنونی

کوچه حوض مونس در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، تغییرات بسیاری را به خود دید و تعداد فرعی‌های آن از عدد نُه به هفت کاهش پیدا کرده است. اکنون درحالی که بیشتر مردم، این کوچه را با نام حوض مونس می‌شناسند، بر تابلوی شده‌ی بزرگ شهرداری، دو عبارت «آخوندخراسانی» و «شهید محمدحقوق» ثبت شده است. شهیدی که نام وی بر تابلوی کوچه ثبت است، یکی از شهدای شهیدی فاجعه هفتم تیر است که دوران کودکی تا جوانی خود را در خانه‌ای واقع در این کوچه سپری کرده است. البته اکنون محدودی این خانه و همچنین پرورشگاه شهیدرراقی، در دل هتل پارازانگ رضوی مدفون شده است.

از ماجرای منزل پدری شهیدرراقی که بگذریم، با اندکی دقت در کوچه آخوندخراسانی با یک واقعیت تلخ روبه‌رو می‌شویم؛ تعداد خانه‌های نیمه‌مخروبه و خالی از سکنه این کوچه از خانه‌هایی که هنوز در آن حیات جاری است، بیشتر است. به‌نحوی که تقریباً در سه پلاک موجود در این کوچه و فرعی‌های بزرگ و کوچک آن، دو پلاکش یا مخروبه هستند یا خالی از سکنه.

درخشان و مردم فرعی جنوبی و البته بزرگ‌ترین فرعی کوچه حوض مونس است. در این فرعی که در ساحل‌های اخیر به دلیل شهادت سه نفر از ساکنان آن (شهیدان حسین مرتضوی، مسلمانان و محمد رضا مقفیان) به کوچه شهید معروف شده، در چند

سال اخیر به دلیل وجود تنها پلاک ثبتی ملی موجود در این مسیر، یعنی خانه تاریخی پیشه‌وران در بخش ابتدایی آن، توجه مدیریت شهری را به خود جلب کرده و کف کوچه به‌طور کامل، اجرفرش شده است. البته خانه پیشه‌وران، یگانه بنای ارزشمند این کوچه نیست و بقایای حوض مونس (اندکی قبل از کوچه شهید در پشت یک در چوبی همجسسته قرار دارد)، اندیشه‌های سه‌گانه نصب‌شده بر دیوار مسجد بناها (شهدا)، دو دالان زیبای داخل کوچه شهید، یک سایاباط و خانه‌های اختراعی (پهلوی اول) در ابتدای کوچه اعتماد و حسن معارف‌مظفری (بر کاشی سردر آن، سال ۱۳۱۸ ثبت شده است) هرکدام نه‌تنها گواهی بر تاریخ کهن این کوچه هستند، بلکه ارزش ثبت در فهرست آثار ملی ایران را دارند.

آخرین کوچه‌ای که در سمت چپ آن می‌رسیم، کوچای با طول حدود پنجاه متر است که در آن حدود چهار تا پنج خانه به‌چشم می‌خورد. در این کوچه نیز بیشتر خانه‌ها بازسازی شده‌اند. تنها یک خانه قدیمی با در چوبی و آجرهای رنگی درش، باقی مانده که روی آن نوشته شده است: «حسن مظفری معارف». این خانه، معماری ای قدیمی دارد و پوشه دالالتش دست‌نخورده باقی است.

کاشی‌های رنگارنگ از خانه همسایه‌ها خودنمایی می‌کند. باتوجه به قدمت کوچه، می‌شک این خانه هم مانند خانه پیشه‌وران قدمتی طولانی دارد. سرانجام باید به‌عنوان آخرین دیدنی کوچه به پاساژ انقلاب اشاره کنیم؛ در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی، تعداد درخور توجهی از خانه‌های ارزشمند، قربانی ساخت یکی از بازارهای عروسی و پذیرایی بزرگ مشهد می‌شوند اما وضعیت پدیدآمده پس از انقلاب اسلامی، موجب تغییر نام آن به «انقلاب» و سپس کاربری‌اش به پاساژ؛ لوازم خانگی می‌شود.

چهره‌های شاخص کوچه

گفتن از شخصیت‌های معروف ساکن در کوچه حوض نمون، بی‌هیچ تأملی حرف‌ها می‌برد به صاحب نامی که اسمش بر روی تابلوی ورودی کوچه ثبت شده است؛ شهید محمد رواقی که نخستین شهید کوچه حوض نمون هست. هم سال ۱۳۲۸ در کوچه چهنو متولد شد اما خانواده‌اش در کودکی محمد به کوچه حوض نمون، نقل مکان کردند و سال‌هایی چند پس از شهادتش همچنان در این کوچه ساکن بودند.

محمد رواقی از فعالان انجمن‌های اسلامی دانشجویان در آمریکا بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ریاست شرکت ملی فروش ایران را برعهده گرفت و هم‌زمان در حزب جمهوری اسلامی به فعالیت پرداخت. رواقی سرانجام ۷ تیر ۱۳۶۰ در جریان انفجار دفتر حزب جمهوری همراه دکتر بهشتی و دیگر یارانش به شهادت رسید.

متأسفانه امروز از خانه رواقی‌ها که علاوه بر شهید محمد رواقی، محل پرورش دکتر علی رواقی، عضو برجسته فرهنگستان ادب فارسی، نیز بوده است، اثری نیست

خانه ای که زغال خانه دارد

می‌کند. آجر فرش‌های کف حیاط هنوز پارچست تا اصالت خود را به اثبات برساند. از بادگیر چهار طرفه در پشت‌بام خانه البته دیگر نری نیست. زغال دانی، صندوق خانه، اشکاف، آب‌انبار و حوض خانه و تاق طبقه همکف این بنا و اتاق میهمان خان، زنانه، هستی، و نورگیر در تاق خواب میهمان در طبقه نخست آن، از فضاهایی است که در گذر زمان در معماری منازل ایرانی از بین رفته است. ولی در این بنا همچنان پارچست. این خانه، بخشی از محله ارگ و همسایه چهار طبقه معروف مشهد بوده است که یادآور معماری ایرانی و فضاهای مورد توجه خانه‌های دوره قاجار است؛ البته از سرنوشت کنونی این بنا، تاریخی خبری در دست نیست و هیچ‌یک از آن یاد نماند.



قصہ عمودرشکہ چی و نقالی

مشهد قدیم

نقالی از هنرهایی است که در خراسان جایگاه ویژه‌ای داشته و طبق گفته هوشنگ جاوید، نخستین مکتوب‌نگاری نقالی مربوط به این دیار بوده است. دقیقی شاعر و بعدها معسودی مروزی در نوشته‌های خودشان از نقالی یاد می‌کنند. این هنر کهن تا حدود سال‌های ۵۰ میان قهوه‌خانه‌های شهر مشهد حضور پررنگی داشت. پیر و جوان و بزرگ و کوچک، پای کلام گرم مرشد می‌نشستند و شیرینی داستان‌های شاهانه‌ها را با عنصر خیال پیوند می‌زدند و بارستجو و حسین کرد و امیر اسلان به جنگ دیوها و پری‌های می‌رفتند. «خدا فضلی» در کتاب «منظومه مشبه‌ای قدیمی»، داستان را چنین نقل می‌کند:

چو از سهراب گوید، «ژاله، بارد
چو ارستم، از صدایش ناله بارد
«حسین کرد، نقل دیگر اوست
«امیر ارسلان، را دارد او دوست
چنان می گوید از: «فرخ لقا، او
که گفتی دیده او را بارها او
به نقل اوست لحن شاد و غمگین
شود گل های چشمش شبنم آجین
به پشت شیشه باشد محشر برف
بیارد از لبش بارانی از حرف،

عمو عبدالحسین سورچی: نام اصلی او عبدالحسین طاهر هاشمی بود که درشکه‌چی بود و دربیان مردم به عمو عبدالحسین درشکه‌چی معروف شده بود. او ساعات و بیقراری خود را در قهوه‌خانه می‌گذراند. درشکه‌چی در این اوقات به نقل نقالان گوش می‌داد و آن‌ها را خوب می‌آموخت و نقل‌های آنان را به زیبایی در شب نشینی‌ها برای چپه‌ها و بزرگ‌تراها بازگو می‌کرد.

لامپا، چراغ شیشه‌ای تنگ‌سوز که شیشه استوانه‌ای بالای آن و محیط بر تفریقه می‌گذاشتند. هنگام خواب، قتیله آن را پایین می‌کشیدند و از نور سبیل آن‌که به عنوان چراغ خواب استفاده می‌شد.

از کتاب مشهدی های قدیمی / رضا افضلی

مشهد
قدیم

کاشی
آبی

زینبی! نامش را گذاشته‌اند «خانه قدیمی صداتی» و در پرونده ثبتی‌اش هم به‌جای کلمه «تاریخی»، عبارت «قدیمی» ششست است. واژه‌ای که ممکن است برداشت ذهنی خواننده را جهت بدهد و تصور رزق تاریخی ندارد. این سازه را دوران قاجار برای ما است و در خیابان مدرس، کوچه امیرکبیر، پشت هتل قر است. خانواده صداتی، آخرین مالکان این بنا می‌باشد. زینبی خانه مانده است. زینبی ۱۲۸۵ قمری با طویقه در دو ضلع غربی و شمالی که حدود ۱۶۰ متر با اختصاص داده، نمای کلی آن است. در طبقه همکف، سه اتاق تودرتو وجود دارد و قسمت شمالی آن دو اول، دو اتاق مشابه بر روی اتاق‌های قدیمی شمالی است و در ضلع دیگر سازه، یک اتاق پذیرایی پنج در است که از یک سبزه‌ای شش‌پایه و اسرویی دیگر به اتاق سبزه‌ای یک اتاق پذیرایی کوچک و یک راهرو و راه‌پله، آشپزخانه هر دو طبقه در نقطه تاریخی دو ضلع غربی نمایان قرار دارد. آجر، نمای اصلی خانه است که در همه کارها رفته است. سقف‌ها چوب‌بوش است و در خانه، یک حوض هشت ضلعی روح‌پوش است. رخ‌نمایی